

حزب ملت ایران

پاینده ایران

ای آفریدگار پاک

تو را پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

چرا از شرکت در انتخابات کناره جویی می کنیم

هم میهنان! انتخابات آزاد در کشورهای آزاد جهان و نظام های مردم سالار از پایه های استوار حاکمیت ملی است و از سویی هر حکومتی مشروعیت خود را در گرو چگونگی انتخاب برگزیدگان ملت خود می داند و از دیگر سوی اعتبار بین المللی هر نظام نیز به میزان تحقق حاکمیت ملت و نقش مردم در اداره ی امور آن جامعه است. درست اگر از همین زاویه و دیدگاه بنگریم، زیر عنوان دست آوردهای مردم سالاری از امنیت ملی و ثبات سیاسی که از پر اهمیت ترین مؤلفه ها در جوامع پیشرفته است، نام برده می شود.

به دیگر سخن در جامعه هایی که کاربردستانش توجهی به خواست و نیاز ملی ندارند و خودخواهانه تمایل به انحصار قدرت در دستان شماری، کم شمار دارند تا از ویژگی قدرت بی حساب که رانت های بی شماری را برای کاربردستان به ارمغان می آورد، سوء استفاده کنند، در نتیجه امنیت ملی، ثبات سیاسی و به دنبال آن ثبات اقتصادی میهن را به روزگاری این چنین بی ثبات می کشانند.

امروز به راستی ایران دیرینه سال در چنین شرایطی به سر می برد و این در حالی است که شرایط ملی و فراملی، خبر از نابسامانی و در ماندگی کاربردستان، مدیران و سیاستگزاران کشور در اداره امور می دهد، هم چنانکه بارها در بزنگاههای گوناگون و مناسبت های مختلف به این مهم اشاره کرده ایم. درست از سال ۱۳۵۹ خورشیدی به طور رسمی و طی اعلامیه ها، سخنرانی ها و مصاحبه های ارائه شده از سوی حزب ملت ایران، چگونگی برگزاری شایسته و روش انتخاب نمایندگان واقعی ملت را یادآور و از موانع پیش روی گزینش های ملی سخن فراوان گفته ایم، هر بار بی توجهی شد. اکنون برای تنویر افکار همگانی، گوشه هایی از پی آمدهای این بی توجهی ها را یک بار دیگر یاد آور می شویم، هم چنانکه:

بارها گفته ایم؛ نباید از دین استفاده ی ابزاری شود، توجهی نشد!

بارها گفته ایم؛ حاکمیت ملی به خاطر عدم رعایت حقوق ملت و نادیده انگاشتن آن بیش از هر زمان مورد تجاوز و دست اندازی قرار گرفته است، توجهی نشد!

بارها گفته ایم؛ عدم رعایت حقوق بشر، پی آمدش سست شدن حاکمیت ملت است، توجهی نشد!

بارها گفته ایم؛ شیوه های قیم مابانه که حاکمیت در پیش گرفته است، اصل جمهوریت را محو و محوتر کرده است، توجهی نشد!

بارها گفته ایم؛ اگر برای رای مردم احترام و ارزش قائل نباشیم، آیا به خون های پاک شهیدان و باورشان به حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، آزادی و استقرار حکومت مردم سالارو زیست در ایران سربلند، خیانت نشده است؟ با افسوس تنها به لفاظی های بی درنمایه ی تریبونهای حکومتی بسنده شد!

بارها گفته ایم؛ اگر "میزان رای ملت" نباشد، زمینه را برای خودکامگان و خودکامه پروری آماده کرده اید و در آن صورت نه تنها حاکمیت ملی را خدشه دار کرده اید، بلکه تمامیت ارضی کشور را به خطر انداخته اید. توجهی نشد!

بارها گفته ایم؛ اتخاذ تصمیم های به دور از حضور ملت، در چنبر ساختارهای "خود درآوری"، نادیده انگاشتن حق تعیین سرنوشت ملت است، توجهی نشد!

بارها گفته ایم؛ هشدار داده ایم؛ بازی با آتش است اگر مجلس که باید "عصاره ملت" باشد، مورد توهین، استهزاء و بگیر و به بند قرار گیرد، سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و هر کس، هر از گرد راه رسیده ای به خود اجازه خواهد داد "خانه ملت" را مورد یورش و توهین قرار دهد، این بدعت نامیمون "رسم ناخوشایندی است" و روزی دامان بدعت گزار را خواهد گرفت، توجهی نشد!

بارها گفته ایم؛ آن گاه که نمایندگان برگزیده ملت زیر پیگرد (به سبب اظهار نظر و انتقاد) قرار می گیرند، چه کسی باید رسالت مجلس را که نظارت عالی بر تمامی امور است، عهده دار شود؟ (بنا بر اصل ۷۹، مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد) و (اصل ۸۰، گرفتن و دادن وام یا کمک های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد)، توجهی نشد!

بارها گفته ایم؛ هیچ گفتگو و قرارداد با بیگانه نباید از چشمان بیدار ملت که مجلس واقعی است به دور بماند، چرا که نسل های امروز و آینده، هیچ تعهدی به قبول آن ندارند، توجهی نشد! اصل ۷۷ (عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد) و اصل ۸۰.

بارها گفته ایم، دیپلماسی باید دارای اصول و برنامه باشد، نه این که واکنشی و بدون ابتکار عمل کنیم، باید با استراتژی درست، سود و صلاح ملی را دریافت باید دوست و دشمن را باز شناخت، باید دوستان استراتژیک ملت و دشمنان آن را باز شناسی کرد، توجهی نشد! چون نظارت بیدار ملت وجود نداشت، چون "مجلس که خانه ملت است" از صاحبخانه تهی شده و به بهانه های مختلف و شیوه های حقیرانه مجال ورود برگزیدگان واقعی ملت سد شده است از این روی "خانه ملت"، "مجلس"، "عصاره ملت"، "میزان رای ملت"، تمام و تمامی به سخره گرفته شده یا به سیاهچال فراموشی سپرده شده است. آیا تغییری در این روابط ایجاد شده است؟ آیا اختیارات واقعی را به نمایندگان مجلس داده اند؟ ولی با انده از گذشت زمان، پند نگرفته اند و هنوز هم همچنان "در بر همان پاشنه می چرخد". آیا ساده اندیشی نیست اگر منتظر تاپش نور رستگاری ملت توسط چنین مجلسی باشیم؟ ما بر این باوریم، هرگز!

ما بر این باوریم؛ تا مرم نتوانند به دور از دسیسه و بند و بست و اعمال نفوذ، نمایندگان راستین خود را انتخاب کنند و مجلس دارای اقتداری که باید باشد، نشود، هیچ فرقی در ماهیت امر به وجود نخواهد آمد، حتی اگر به فرض محال نماینده ای واقعی هم به مجلس برود، به خاطر وجود اهرم ها و سدهایی چون درآمیزی دین با دولت، نبود آزادی گفتار و نوشتار و عملکرد شورای نگهبان و در نتیجه نادیده انگاشتن منافع ملی، خطر تجزیه میهن، رکود سطح آموزش و بهداشت، گرانی دارو و درمان، از دست رفتن مزیت های طبیعی، تورم و گرانی، سقوط ارزش های اخلاقی، فساد (رانت خواری، اعتیاد، رشوه و ...)، فرار مغزها، فرار فرزندان، بیکاری، روانپریشی جامعه، سر خوردگی و سلب امید از آینده، در یک کلام حقوق ملت باز هم مورد تجاوز روزافزون خواهد بود.

حزب ملت ایران نمی خواهد در این سقوط سهیم باشد، از این رو دیدگاهها و دلایل خود را بیان می داریم:

ما بر این باوریم، دین از دولت جداست تا دین جایگاه والای خود را هم چون گذشته باز یابد.

ما بر این باوریم، تا شورای نگهبان به خود اجازه هر گونه تصمیم خلاف قانونی را می دهد، هیچ نماینده راستین ملت به مجلس راه داده نمی شود (اصل ۹۹، شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را به عهده دارد).

ما بر این باوریم، با وجود شورای نگهبانی این چنین، اگر نماینده ای هم قصد خدمت داشته باشد، از او سلب اختیار خواهد شد و مجالش نخواهند داد تا دیگر کسی جسارت حق گوئی و دفاع از منافع ملت را به خود راه ندهد.

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

ما بر این باوریم، که شورای نگهبان بر خلاف اصل ۹۹ که امر بر نظارت در جلوگیری از تقلب در انتخابات را دارد، دامنه نظارت را به دخالت در اجرای انتخابات و تعیین صلاحیت نمایندگان کشانده است. آیا این عمل خلاف قانون، دراستای حاکمیت ملی است؟ هرگز.

ما بر این باوریم، به راستی "در خانه اگر کس است یک حرف بس است". چگونه است که شورای نگهبان بر خلاف اصل ۷۶، تحقیق و تفحص در نهادهای زیر نظر رهبری را خلاف شرع قلمداد کرده است؟

ما بر این باوریم، شورای نگهبان بر خلاف اصل ۲۸ قانون اساسی بر نقص، بدترین قانون مطبوعات جهان را که منجر به محروم شدن مدیر مسؤل، سردبیر و خبرنگاران یک نشریه از کارهای مطبوعاتی به طور موقت یا دائم شود را به رسمیت شناخت تا بتواند پیش از حکم دادگاه نشریه را به توقیف بکشاند و بدین وسیله نویسنده، مدیر مسؤل و خبرنگار را تارومار کنند. تا کسی یارای گفتن و نوشتن نداشته باشد و آنچه باید کنند، به دور از چشم مطبوعات انجام دهند.

ما بر این باوریم، شورای نگهبان از شکنجه با تعبیری یاد می کند که بتواند به شکنجه زندانیان شکل به اصطلاح دینی بدهد که هیچ انسانی آشنا با خداوند بخشنده مهربان، پذیرای این سخنان نیست.

ما بر این باوریم، مطالب پرشمرد شده، تنها گوشه های بسیار اندک از عملکرد شورای نگهبان است. آیا باز هم می توان امیدی به انتخاباتی راستین داشته باشیم؟ هرگز.

درست از این رو است که از شرکت در انتخابات کناره می جویم. و هرکس انتخاب شود با وجود این "مکانیسم ها" و "دالانهای هزارتو" از پیش سترون است.

هم میهن چه باید کرد؟ ما بر این باوریم مردم از شعار خسته شده اند، مردم می خواهند پس از ۲۵ سال آتار و نتایج این همه حرف و هیاهو را دریابند، مردم می خواهند نهادهای انتصابی کوچک و کوچک تر شوند ولی به عکس است. بودجه سالانه آنها سال به سال فزونی می گیرد تا با قدرت بیشتر علیه مردم به کار گرفته شوند.

حزب ملت ایران بر این باور است باید چاره کار از جایی دیگر آغاز شود. باید اهرم های سد کننده آزادی از میان برداشته شود. باید به خرد جمعی متکی بود، باید نهادهای انتصابی جای خود را به نهادهای انتخابی مردمی بدهند. رسیدن به چنین هدف هایی از راه برپایی چنین مجلس های دستوری و با وجود چنین نهادهایی امکان پذیر نیست، تنها راه رهایی از این بن بست، بسترسازی سالم برای برگزاری یک همه پرسی، جهت بازنگری در قانون اساسی و بازپس دادن تمامی حقوق ملت به مردم محروم است، تا بتوان در سایه قانون، مجلسی به راستی مردمی، پویا و نیرومند که به راستی "میزان رای ملت" باشد و به راستی مجلس "خانه ملت" باشد، دست آید.

هم میهن! بنا به دلایل برشمرده شده حزب ملت ایران بر این باور است هر انتخاباتی از این دست، کارایی و راهگشایی نداشته و از مجلس های فرمایشی و دست پرورده، بی شمار دردهای مردم درمان نخواهد شد.

حزب ملت ایران با کوله باری بیش از نیم قرن مبارزه پی گیر نه هم چون نو رسیدگان خود جلو انداخته ی پس از انقلاب، بار دیگر اعلام می کند تنها راه برون رفت از بن بست انتخابات و عدم شرکت مردم، نه نمایش ظاهری مشارکت در انتخابات، بلکه بر انجام یک "همه پرسی ملی" به گونه اساسی ترین رهیافت، برای خروج از تمامی بحرانها، پای می فشرد. که در آن پیش شرطهای زیر از پیش نیازهایی است که لازمه هر گزینش ملی است، ضرورت دارد تا یک بار دیگر این گفته مصدق بزرگ که "مجلس آنجاست که مردم همه آنجايند" در فضای ایران زمین طنین انداز شود و به راستی یک بار دیگر "میزان رای ملت" باشد:

- پدید آوردن فضای سیاسی باز:
- از راه پاس داشتن آزادی گفتار و نوشتار، گردهمایی و جلوگیری از تجاوز گروه های فشار.
- آزاد گذاردن تمامی حزبها و جمعیتهای دگراندیش مستقل، اتحادیه ها، سندیکاها، کانونها و نهادهای هرگروه اجتماعی.
- اجازه نشر به همه روزنامه ها و کتابها به دور از سانسور.
- آزادی تمامی زندانیان سیاسی و فرهنگی.
- دادن تامین های لازم به انبوه ایرانیانی که ناگزیر به کشورهای بیگانه کوچ کرده اند، برای بازگشت به سرزمین نیاخاکی خود.
- توقف فعالیتهای سازمانهای موازی (نهادهای امنیتی، قانونگزاری، دیپلماسی، نظارت استصوابی،...) با نهادهای رسمی.

هم میهن! در یک جمله این همه به حقوق ملت تجاوز شده است، تنها راه خروج، زنده داشت همه حقوق ملت و حاکمیت ملت است.

حزب ملت ایران بر این باور است که مردم باید به دور از هر گونه خشونت با بهره گیری از شیوه های شناخته شده در جهان ملت ها و با شناخت از دسیسه های بیگانه ساخته، راه را بر انحصار گران و خودکامگان سد کنند، تا ایران سربلند و سرافراز در جهان ملت ها بدرخشد.

حزب ملت ایران همگان را به خطرناک بودن وضع کشور هشدار می دهد، تا برای برقراری مردم سالاری یک دل شوند و سازمانهای سیاسی وظیفه دارند، به دور از هرگونه فرقه گرایی زمینه ی زنده داشت همبستگی همگانی را فراهم آورند.

شهیدان رهگشای مردم سالاری

دورد بر داریوش و پروانه فروهر

هم میهن سرنوشت خود را، خود برگزین

انتخابات انتصابی: نه، همه پرسی ملی: آری

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران؛ بهمن ۱۳۸۲